



Investigating the Support of Cultural Diversity in International Human Rights Documents

Ehsan Pourmahmoud¹, Mohammad Javad Jafari^{2*}, Mehdi Hatami³

1. Ph.d Student of Public Law, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Kermanshah Branch, Islamic Azad University, Kermanshah, Iran.

3. Associate Professor Department of Law, University of Kurdistan, Sanandaj, Iran

ARTICLE INFORMATION

Article Type: Original Research

Pages: 713-730

Article history:

Received: 12 Des 2023

Edition: 6 Feb 2024

Accepted: 7 Mar 2024

Published online: 28 Jan 2025

Keywords:

Cultural diversity, cultural relativism, human rights, UNESCO, international human rights.

Corresponding Author:

Mohammad Javad Jafari

Address:

Iran, Kermanshah Branch Islamic Azad University Kermanshah, Department of Law.

Orchid Code:

Tel:

Email:

Dr.jafari14@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: The issue of cultural diversity in international law is one of the most important and complex issues that has been one of the most challenging issues in the field of international human rights in the last few decades. The purpose of this article is to examine the support of cultural diversity in international human rights documents.

Materials and Methods: This article is descriptive and analytical. Materials and data are also qualitative and data collection was used in collecting materials and data.

Ethical Considerations: In this article, the originality of the texts, honesty and trustworthiness are respected.

Findings: The findings showed that UNESCO plays an important role in the formulation and formation of international conventions in support of cultural diversity. cultural diversity in two categories of general international human rights documents such as the The Universal Declaration of Human Rights and specific international human rights documents such as the 2001 Universal Declaration of Cultural Diversity and the Convention on the Preservation and Promotion of the Diversity of Cultural Manifestations (2005) compiled by UNESCO and signed by the member states. Support has been placed. Supporting cultural diversity in international human rights documents is based on cultural relativism.

Conclusion: The principle of non-interference in the internal affairs of countries, the lack of cultural development and the lack of democratic culture in many countries are among the practical challenges and obstacles to the realization of cultural diversity by UNESCO.

Cite this article as:

Pourmahmoud E, Jafari MJ, Hatami M. Investigating the Support of Cultural Diversity in International Human Rights Documents. *Economic Jurisprudence Studies*. 2024.



بررسی حمایت از تنوع فرهنگی در اسناد حقوق بشر بین الملل

احسان پور محمود^۱، محمدجواد جعفری^{۲*}، مهدی حاتمی^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۳. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه کردستان، سنندج، ایران.

چکیده

زمینه و هدف: موضوع تنوع فرهنگی در حقوق بین الملل یکی از مباحث مهم و پیچیده می باشد که در چند دهه اخیر جزو مباحث پرچالش در عرصه حقوق بشر بین الملل قرار گرفته است. هدف مقاله حاضر بررسی حمایت از تنوع فرهنگی در اسناد حقوق بشر بین الملل است.

مواد و روش ها: مقاله حاضر توصیفی-تحلیلی است. مواد و داده ها نیز کیفی است و از فیش برداری در گردآوری مطالب و داده ها استفاده شده است.

ملاحظات اخلاقی: در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت داری رعایت شده است.

یافته ها: یافته ها نشان داد سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو) در تدوین و تشکیل کنوانسیون های بین المللی در حمایت از تنوع فرهنگی نقش مهمی را ایفا می کند، با این حال، تنوع فرهنگی در دو دسته اسناد عام حقوق بشر بین الملل مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد خاص حقوق بشر بین الملل مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر، اعلامیه تنوع فرهنگی ۲۰۰۱ و کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی (۲۰۰۵) که از طرف یونسکو تدوین و به امضای کشورهای عضو رسیده مورد حمایت قرار گرفته است. حمایت از تنوع فرهنگی در اسناد حقوق بشر بین الملل بر مبنای نسبی گرایی فرهنگی صورت می گیرد. بر اساس نظریه نسبی گرایی فرهنگی درک حقیقت تابع فرهنگ های متنوع است و از آنجایی که فرهنگ ها به لحاظ ارزشی برابرند. بنابراین حقایق برخاسته از درک ایشان نیز با یکدیگر برابر است. نتیجه: اصل عدم مداخله در امور داخلی کشورها، عدم توسعه یافتگی فرهنگی و فقدان فرهنگ دموکراتیک در بسیاری از کشور از جمله چالش ها و موانع عملی تحقق تنوع فرهنگی از سوی یونسکو است.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۷۱۳-۷۳۰

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۲۱

تاریخ اصلاح: ۱۴۰۲/۱۱/۱۷

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۱/۰۸

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۱۱/۰۹

واژگان کلیدی:

تنوع فرهنگی، نسبی گرایی فرهنگی، حقوق بشر، یونسکو، حقوق بشر بین الملل.

نویسنده مسئول:

محمدجواد جعفری

آدرس پستی:

ایران، کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد کرمانشاه، گروه حقوق.

کد ارکید:

تلفن:

پست الکترونیک:

Dr.jafari14@gmail.com

۱. مقدمه

کشیده است. بروز این خطر و تهدید کشورهای جهان را برای حفظ فرهنگ خود و حفظ تنوع فرهنگی به تکاپو واداشته است. تمایز و نوآوری مقاله حاضر بررسی حمایت از تنوع فرهنگی در اسناد حقوق بشر بین‌الملل است. بر اساس آنچه گفته شد هدف مقاله حاضر بررسی این سؤال است که اسناد حقوق بشر بین‌الملل از تنوع فرهنگی و تفاوت فرهنگی چه حمایتی به عمل آورده است؟ فرضیه مقاله نیز بدین شکل قابل طرح است که: «تنوع فرهنگی در اسناد حقوق بشر بین‌الملل به خصوص اسناد یونسکو مورد حمایت قرار گرفته است». به‌منظور بررسی سؤال مورد اشاره، ابتدا دیدگاه نسبت‌گرایی فرهنگی به عنوان مبنای نظری حمایت از تنوع فرهنگی بحث شده، سپس حمایت از تنوع فرهنگی و تفاوت آن در اسناد عام حقوق بشر بین‌الملل مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت از تنوع فرهنگی و تفاوت آن در اسناد خاص حقوق بشر بین‌الملل که مبتنی بر تلاش‌های یونسکو شکل گرفته است بحث می‌شود.

۲. مواد و روش‌ها

مقاله حاضر توصیفی تحلیلی است. مواد و داده‌ها نیز کیفی است و از فیش‌برداری در گردآوری مطالب و داده‌ها استفاده شده است.

۳. ملاحظات اخلاقی

در این مقاله، اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

۴. یافته‌ها

حفظ تنوع فرهنگی با پذیرفتن ضرورت همزیستی فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر و اصل کثرت‌گرایی همراه است در مناطقی که تنوع فرهنگی ویژگی بارز آن است، جوامع متکثر فرهنگی در سراسر جهان دارای خصیصه تنش، تشویش، بی‌ثباتی، بی‌نظمی و حتی خشونت هستند و نیز اینکه از سال ۱۹۴۵ تاکنون تضادهای داخلی بیشتر از درگیری‌های بین‌المللی بوده نشان از نوعی بی‌عدالتی فرهنگی و عدم تساوی در دسترسی گروه‌ها به منابع موجود است. اما وجه دیگر و درعین‌حال بسیار مهم تنوع فرهنگی رابطه بین فرآیند جهانی‌شدن و فرهنگ‌های بومی است. در واقع "فشرده‌گی زمان و مکان" تحت تأثیر پیشرفت تکنولوژی و فناوری‌های ارتباطی و گسترش ارتباطات اجتماعی درعین‌حال که منجر به افزایش تعاملات و غنی‌تر شدن فرهنگ‌ها و ایجاد قابلیت‌هایی برای نوآوری و ترکیب "امر جهانی" با "امر محلی" می‌شود چالش‌های اساسی نیز برای کشورهای ضعیف در زمینه‌های مختلف از جمله فرهنگ ایجاد می‌کند. در واقع با وجود واقعیت تنوع فرهنگی، در جهان امروزه شاهد بروز فرآیندها و سیاست‌هایی هستیم که تنوع فرهنگی و همزیستی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر را تهدید می‌کند. فرآیندهای محیطی مانند جهانی‌شدن، پیوند اقتصاد و فرهنگ، فعالیت رسانه‌ها و سیاست قدرت‌های بزرگ که برای بهره‌برداری از این فرآیند برای تحمیل سلطه و فرهنگ خود بر دیگران تنوع فرهنگی را با تهدید، مواجه کرده است. این تهدیدها به‌گونه‌ای است که خطر حذف برخی از فرهنگ‌ها و تسلط برخی دیگر را مطرح کرده و جایگزینی یکسان‌سازی فرهنگ‌ها را به‌جای پذیرفتن تنوع فرهنگی پیش-

یونسکو در مورد تنوع فرهنگی» در ۲ نوامبر ۲۰۰۱ ابراز نموده است. این تعریف بیان می‌دارد «فرهنگ عبارت است از مجموعه علائم شاخص معنوی و مادی، عقلانی و احساسی که معرف یک جامعه یا یک گروه اجتماعی است و علاوه بر هنر و ادبیات شامل شیوه‌های زیست، اشکال زندگی جمعی نظام‌های ارزشی، آداب و رسوم و باورهاست».

«تنوع به‌عنوان کیفیت متفاوت بودن، تعریف می‌شود. این واژه به‌معنی متفاوت از یکدیگر یا واقعاً از عناصر یا خصوصیات مجزا تشکیل شده، مشتق شده است» (پرویس، ۲۰۰۷، ۱۵)، اما در رابطه با مفهوم تنوع فرهنگی باید گفت که در پیشگفتار کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی، تنوع فرهنگی این‌گونه تعریف شده است که: «مراد از تنوع مظاهر فرهنگی، خلاقیت‌ها و نوآوری‌های افراد، گروه‌ها و جوامع مختلف با محتوای فرهنگی است که در قالب تولید، پخش و نشر فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی بازتاب می‌یابند.

تنوع فرهنگی به‌عنوان «ویژگی ذاتی بشر»، برای حفظ بقا و جلوگیری از گزند روزگاران به هویت افراد، گروه‌ها، ملت‌ها در همیشه تاریخ به‌گونه‌ای وجود داشته است. تنوع فرهنگی خالق جهانی سرشار از ارزش‌های متنوع و خلاق بوده، عاملی بنیادین در توسعه پایدار کشورها است؛ بدون آنکه فراموش شود که تنوع فرهنگی «زائیده دموکراسی، تساهل و عدالت اجتماعی میان ملتها بوده، عاملی ضروری برای حفظ صلح و امنیت محلی، ملی و بین‌المللی می‌باشد. رعایت تنوع فرهنگی لازمه ایجاد محیط مناسب برای تحقق حقوق و آزادی‌های بنیادین بشر می‌باشد» (کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۰). هم‌چنین

تنوع فرهنگی در دو دسته اسنادعام حقوق بشر بین‌الملل مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و اسناد خاص حقوق بشر بین‌الملل مانند اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی ۲۰۰۱ و کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی (۲۰۰۵) که از طرف یونسکو تدوین و به امضاء کشورهای عضو رسیده مورد حمایت قرار گرفته است. حمایت از تنوع فرهنگی در اسناد حقوق بشر بین‌الملل بر مبنای نسبی‌گرایی فرهنگی صورت می‌گیرد. بر اساس نظریه نسبی‌گرایی فرهنگی درک حقیقت تابع فرهنگ‌های متنوع است و از آنجایی که فرهنگ‌ها به لحاظ ارزشی برابرند بنابراین حقایق برخاسته از درک ایشان نیز با یکدیگر برابر است.

۵. بحث

تنوع فرهنگی از ترکیب دو واژه «تنوع» و «فرهنگ» ساخته شده است. «فرهنگ چیزی است که نمونه‌های انسانی آن را می‌رساند. فرهنگ محتوای آن‌ها هم‌چون هویت، اعتقاد، ارزش‌ها و رفتارهایشان را ارائه می‌دهد. فرهنگ به‌عنوان بخشی از فرایند طبیعی رشد در خانواده و جامعه و به‌واسطه شرکت در نهادهای اجتماعی آموخته می‌شود» (دیلمر، ۲۰۱۰، ۶۷). از طرفی نیز «فرهنگ‌های گوناگون، به‌نوبه خود، الگوهای گوناگون واقعی تولید می‌کنند، و هر یک حمایت و دفاع می‌شوند» (دیلمر، ۲۰۱۰، ۶۷). توسط اشخاص درون آن فرهنگ‌ها. با این حال، در رابطه با تعریف فرهنگ اختلاف نظر زیادی میان علما و دانشمندان وجود دارد. هر یک از دانشمندان از دیدگاه خود تعریفی از فرهنگ ارائه داده است (پرویس، ۲۰۰۷، ۴-۵). اما برای نیل به تعریفی از فرهنگ در عرصه حقوق بین‌الملل بهترین منبع، تعریفی است که یونسکو در مقدمه «اعلامیه جهانی

۵-۱. نسبیت‌گرایی فرهنگی مبنای حمایت از تنوع فرهنگی

نسبیت فرهنگی نظریه‌ای است که اعتقادات و رفتارهای هر شخص را در شرایط فرهنگ خاص آن شخص قابل درک می‌داند. به بیان دیگر «یک فرهنگ را باید بر پایه قواره و موازین خود آن فرهنگ ارزیابی کرد» (هویلند، ۱۳۸۲، ۳۱). «فرانتس بواس، انسان‌شناس معروف قرن بیستم، بنیان‌گذار مکتب نسبیت‌گرایی فرهنگی بود» (پارسا، ۱۳۸۰، ۶۱). وی این امر را به عنوان اصلی بدیهی در تحقیقات خود پنداشت و بیان داشت که: «تمدن چیز مطلق نیست، بلکه نسبی است و ایده‌ها و تصورات ما فقط تا آنجا که به تمدنمان می‌رود، صحیح هستند» (فرانتس، ۱۸۸۷، ۵۸۹). البته باید دانست که بواس اصطلاح نسبیت‌گرایی فرهنگی را استفاده نکرده بود و این اصطلاح توسط شاگردانش ابداع شده است.

نسبیت‌گرایی فرهنگی مبتنی بر چند پیش فرض می‌باشد: ۱- جهان امروز از فرهنگ‌های متنوع و متخلف تشکیل شده است «اصولاً ماهیت جوامع انسانی به دلیل حضور عنصر انسانی در آن اقتضای تنوع و تکثر دارد. همچنین نمی‌توان از این نکته غفلت کرد که این فرهنگ‌ها هر کدام ممکن است باورها، ارزش‌ها، هنجارها و آداب‌ورسوم خاص خود را داشته باشند» ۲- هر یک از فرهنگ‌ها دارای هنجارها و اصول خاص خود هستند. ۳- هر یک از این فرهنگ‌ها و هنجارهای آن‌ها دارای مشروعیت یکسانی هستند. زمانی که مشروعیت یکسان را در کنار نسبت تخلف فرهنگ‌ها قرار می‌دهیم نتیجه‌ای که حاصل می‌شود عبارت است از اینکه فرهنگ‌ها

بند ۱ ماده ۴ کنوانسیون حمایت و ترویج تنوع جلوه‌های فرهنگی مصوب ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ پاریس بیان می‌دارد که «تنوع فرهنگی به راه‌های گوناگونی منسوب است که در آن‌ها فرهنگ‌های گروه‌ها و جوامع تجلی می‌یابند. این تجلیات در درون و میان گروه‌ها و جوامع رایج شده‌اند» (کریمی، ۱۳۸۹، ۲۹).

تنوع فرهنگی نه تنها از طریق راه‌های گوناگون آشکار شده است که در آن میراث فرهنگی بشریت متجلی شده، همچنین از طریق تجلیات فرهنگی مختلف تقویت شده و انتقال یافته بلکه از طریق شیوه‌های متنوع خلاقیت هنری، تولید، توزیع، انتشار و بهره‌مندی فارغ از روش‌ها و تکنولوژی‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. در رابطه با تنوع فرهنگی دو نکته حائز اهمیت است: اول آنکه، گاه این مفهوم در مقابل «ملیت‌گرایی» قرار می‌گیرد و باعث ابراز دو گونه تفسیر شده‌اند، «یکی از طرف سیاسیون مطرح می‌شود و دیگری از طرف فرهنگ‌یون. از دیدگاه سیاسیون وحدت اصل است و تا حد ممکن باید تکثر را نادیده گرفت، آن‌ها از وحدت فقط تا آن اندازه‌ای دور می‌شوند که ناگزیر هستند. دیدگاه فرهنگ‌یون کاملاً بر عکس است، در واقع آن‌ها بر این باور هستند که اصل تکثر است و وحدت باید تا جایی لحاظ شود که ضرورت دارد» (آذری، ۱۳۸۵، ۵). دوم آنکه در عدم پذیرش تنوع فرهنگی مفهومی داریم به نام «دیگر ناپذیری» که خود باعث نفاق شده و اگر جزئی از سیاست دولتها شود، بدترین اثر را خواهد داشت به گونه‌ای که بزرگ‌ترین فجایع یک قرن گذشته همچون جنگ جهانی دوم، نسل‌کشی در رواتندا و یوگسلاوی سابق ریشه در این مسئله داشته است.

فاطمی، ۱۳۸۸، ۱۱-۱۰) و نتیجه آنکه برخی از هنجارهای حقوق بشر در برخی از کشورها قابل اعمال است و در برخی از کشورها قابل اعمال نیست ولی آنچه مسلم است قواعد بنیادین حقوق بشر که مورد پذیرش همگان است لازم الاجراست.

۵-۲. اسناد عام حقوق بشر بین‌الملل در حمایت از تنوع فرهنگی

مقوله حق فرهنگی از جمله مسائلی است که به‌تازگی وارد حقوق بین‌الملل شده است. یکی از حقوق فرهنگی به‌طور کلی حق غلبه نکردن یک فرهنگ بر سایر فرهنگ‌هاست (استافنهاگن، ۲۰۰۱، ۸۷). در مقدمه منشور بر مسائلی از قبیل: حقوق بشر، کرامت و شخصیت انسان تأکید شده است. در ماده ۳ بند ۲ تأکید بر لزوم احترام به اصل خودمختاری مردم و توسعه به‌عنوان یکی از اهداف سازمان ملل نموده است. بدیهی است که شناسایی حق خودمختاری نیازمند شناسایی و احترام به فرهنگ ملل است که خواستار خودمختاری و استقلال هستند.

هم‌چنین ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر، تنوع فرهنگی را میراث مشترک بشریت دانسته و اذعان می‌دارد: «فرهنگ‌ها در طول زمان و در مکان‌های مختلف به اشکال متفاوتی ظهور یافته‌اند. به‌عنوان منبعی برای تبادل، نوآوری و خلاقیت، تنوع فرهنگی به همان اندازه برای بشریت مفید است که تنوع زیستی برای طبیعت. به‌این‌ترتیب، تنوع فرهنگی میراث مشترک بشری است و باید به نفع نسل‌های حال و آینده به رسمیت شناخته شود و تأیید شود». هم‌چنین در ماده دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر تصریح شده است: «هیچ‌کس نباید از تنوع فرهنگی

امکان گفت‌وگو ندارند، امکان نقد برون فرهنگی وجود ندارد، یعنی هیچ فرهنگی نمی‌تواند به صورت موجهی از بیرون مورد نقد و ارزیابی قرار گیرد. هر آنچه درون یک فرهنگ اتفاق می‌افتد، در جای خود موجه و صحیح است. بنابراین دیگر کسی نمی‌تواند به نسل‌کشی روآندا و یوگسلاوی سابق ایراد بگیرد، کسی نمی‌تواند شکنجه در برخی کشورها را محکوم کند و این نتیجه‌ای است که هیچ عقل سلیم و وجدان بیداری نمی‌پذیرد. ۴- حقوق بشر نیز، مجموعه‌ای از نرم‌هایی است که خود محصول یک فرهنگ خاص است..... بنابراین حقوق بشر نیز دستگاه ارزشی همسان و هم‌سنگ سایر دستگاه‌های ارزشی حاصل نزدیکی فرهنگ‌هاست و هیچ ترجیحی بر هیچ یک از آن‌ها ندارد. در نتیجه حقوق بشر نیز در درون فرهنگ شکل‌گرفته است (قاری سید فاطمی، ۱۰، ۱۳۸۸-۹).

در واقع، «تنوع فرهنگی هم مقوله‌ای فرهنگی و هم حقوق بشری است» (پرویس، ۲۰۰۷، ۱۵). نتیجه این پیش فرض نیز عبارت است از تکرار حقوق بشر و هنجارهای آن. «اصولاً می‌توان ادعا کرد ستون فقرات نظام هنجاری و ارزشی هر جامعه را اخلاق تشکیل می‌دهد. رفتارهای اجتماعی و فردی در هر جامعه، بر مبنای موازین و اصول اخلاقی مورد سنجش قرار می‌گیرد. بنابراین لازمه تکرار فرهنگی، به‌معنای تخلف هنجاری و ارزشی فرهنگ‌ها که مورد ادعای مخالفان جهان‌شمولی حقوق بشر است، وجود نظام-های اخلاقی نه‌تنها متنوع که متخلف در جوامع مختلف است. این بدان معنا است که رفتار یا هنجارهای خاص ممکن است، در جامعه‌ای درست و در جامعه‌ای دیگر نادرست تلقی شود» (قاری سید

و پروتکل الحاقی اختیاری به میثاق حقوق مدنی سیاسی، اعلامیه تهران ۱۹۶۸، اعلامیه ۱۹۹۳ وین، اعلامیه جهانی حقوق مردم ۱۹۷۶ الجزایر و چند سند منطقه‌ای از قبیل: کنوانسیون منطقه‌ای اروپایی راجع به مسائل فرهنگی مصوب ۱۹۵۴ و اعلامیه حقوق بشر اسلامی قاهره ۱۹۹۰، اعلامیه ۱۹۸۲ مکزیک به طور ضمنی اشاره شده است و مورد تأکید قرار گرفته است (فرانتس، ۱۸۸۷، ۵۹۰).

۵-۳. اسناد خاص حقوق بشر بین‌الملل در حمایت از تنوع فرهنگی

برای بررسی اسناد خاص حقوق بشر بین‌الملل در حمایت از تنوع فرهنگی باید به بررسی اقدامات یونسکو در حمایت از تنوع فرهنگی پرداخت. در میان نهادهای وابسته به سازمان ملل متحد، یونسکو تنها موسسه‌ای است که در حوزه فرهنگ جهان به‌طور رسمی اختیار و فعالیت و اعمال نظر دارد. یونسکو با توجه به اساسنامه آن سازمانی است که به علت گستردگی فعالیت آن می‌تواند در زمینه حفاظت و حمایت از تنوع فرهنگی نقش فعالی داشته باشد. از این‌رو یونسکو بر اساس گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه با عنوان «تنوع خلاق ما» و برنامه کار مصوب کنفرانس بین دولتی «سیاست‌های فرهنگی برای توسعه» (استکهلم ۱۹۹۸) و «اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی» (۲۰۰۱)، تلاش کرده است تا در راهبردهای توسعه ملی و بین‌المللی، نقش محوری و اصلی فرهنگ، مدنظر قرار گیرد. «این سازمان به‌ویژه در بیانیه نشست سی و یکم کنفرانس عمومی، بر کثرت‌گرایی فرهنگی مذهبی و زبانی، احترام یکسان به همه فرهنگ‌ها، تقویت همبستگی در جوامع چند قومی و چند فرهنگی، ضرورت حضور

به‌عنوان ابزاری علیه حقوق بشر استفاده کند و یا دامنه کاربرد آن را محدود نماید، به‌خصوص با توجه به این مطلب که حقوق بین‌الملل متضمن اجرای حقوق بشر است». علاوه بر این در ماده ۶ اعلامیه جهانی حقوق بشر آمده است: «در عین تضمین جریان آزاد اندیشه‌ها چه در کلام و چه در تصویر، باید مراقب بود که همه فرهنگ‌ها فرصت ابراز وجود و شناساندن خود را پیدا کنند. هم‌چنین فراهم آوردن امکان دسترسی همه فرهنگ‌ها به ابزارهایی برای بیان و ابراز خود و برای انتشار دستاوردهای خود، همگی متضمن ظهور و حفظ تنوع فرهنگی هستند».

با توجه به مطالب بیان‌شده می‌توان بیان کرد که بسیاری از مفاهیم حقوق بشری مذکور در اعلامیه جهانی حقوق بشر به علت اینکه با اکثریت آرا تصویب شده است و اینکه این اعلامیه گرچه حالت توصیه‌ای دارد ولی الهام‌بخش تصویب اسناد حقوق بشری بسیاری در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است از قبیل: میثاق حقوق مدنی و سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب ۱۹۶۶ و عهدنامه آمریکایی و اروپایی حقوق بشر، عهدنامه آفریقایی حقوق بشر و مردم و اینکه هر روزه تعداد بیشتری از دول به آن‌ها می‌پیوندند، لذا مفاد آن حالت عرفی پیدا کرده است. همه این موارد بیانگر میزان تقویت جهان‌شمولی حقوق بشر در هزاره جدید بالاخص پس از پایان جنگ سرد است. هم‌چنین می‌توان بیان داشت که نسبت‌گرایی فرهنگی تأکید بر حمایت از حق فرهنگی ملت‌ها دارد که در اسناد مختلف بین‌المللی از قبیل منشور سازمان ملل متحد، اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی-سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

امروزه از سوی کشورهای توسعه‌یافته به آن‌ها تحمیل می‌شود (آذری، ۱۳۸۵، ۱).

«چنان‌که از محتوای کنوانسیون مصوب یونسکو پیداست، کشورهای جهان برای حفظ تنوع فرهنگی متعهد شده‌اند. تنوع فرهنگی بدین معناست که، تمامی افراد و گروه‌ها بتوانند از حقوق فرهنگی خود بر مبنای حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان بهره‌مند شوند. همه‌ی فرهنگ‌ها امکان فعالیت مساوی همگام با سایرین را داشته باشند و در این زمینه انواع تبعیض‌ها و نابرابری‌ها به دلایل مختلف وجود نداشته باشد. هر چند جوامع انسانی در خیلی از ویژگی‌های فرهنگی با هم اشتراکاتی دارند اما در عین حال همه جوامع، چه در حوزه داخلی و چه در مقایسه با همدیگر با درجات مختلف دارای سرشت نامتجانس فرهنگی هستند» (حسینی، ۱۳۸۵، ۷۸). در ادامه به بررسی مهم‌ترین اسناد حقوق بشری یونسکو در حمایت از تنوع فرهنگی پرداخته می‌شود. یکی از مهم‌ترین آثار حقوقی به رسمیت شناختن تنوع فرهنگی به مثابه حقوق بشر، قبول ارزش ثابت و مساوی همه فرهنگ‌های بشری در سطح جهانی است که البته اراده دولت‌ها باید بر حفظ کامل ارزش تنوع فرهنگی همچون تنوع زیستی در طبیعت باشد.

۵-۳-۱. اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی ۲۰۰۱

اولین بیانیه یونسکو در ۴ نوامبر ۱۹۶۶ درباره اصول راهنمای استفاده از خبررسانی ماهواره‌ای منتشر شد. بیانیه‌های یونسکو حاوی نظر رسمی سازمان و کشورهای امضاکننده بیانیه درباره موضوع یا موضوع‌هایی است که در بیانیه ذکر شده است. بیانیه‌ها هرچند از نظر عرفی و اخلاقی تعهدآور محسوب می‌شوند، ولی از نظر حقوقی تنها در حد

محتویات فرهنگی محلی در فضای مجازی، ضرورت حفاظت از میراث مادی و معنوی، حرمت نهادن به خلاقیت‌های هنری و فکری و محافظت از حقوق فرهنگی، مالکیت معنوی و حق کپی‌رایت و تلاش برای جلوگیری از قاچاق میراث و سرمایه‌های فرهنگی، چالش‌های جهانی شدن با تنوع فرهنگی و تقویت پیوند میان تنوع فرهنگی با توسعه پایدار، تأکید کرده و تاکنون اقدامات عملی مهمی را در این خصوص مبذول داشته و مصوبات قابل توجهی را تهیه و تنظیم کرده است. بیانیه جهانی «تنوع فرهنگی» مصوب سی و یکمین نشست کنفرانس عمومی یونسکو که در اکتبر و نوامبر ۲۰۰۱ / دهه‌ی سوم مهر و دهه اول آبان ۱۳۸۰، با شرکت ۱۸۰ کشور در پاریس تشکیل شد. مهم‌ترین و جامع‌ترین بیانیه‌ای است که تاکنون توسط این سازمان در پاسداری از تنوع فرهنگی در سطح ملی و بین‌المللی منتشر شده است» (شرف‌الدین، ۱۳۸۶، ۴۹-۵۰).

«مهم‌ترین مصوبه سی و دومین اجلاس عمومی یونسکو (اکتبر ۲۰۰۳، پاریس) تصمیم برای طرح و تصویب کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی بر اساس اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی است که با اجماع تمام کشورهای عضو یونسکو در سال ۲۰۰۱ به تأیید رسید» (وحید، ۱۳۸۳، ۲۵۳). «کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی» از جمله کنوانسیون‌های فرهنگی یونسکو است، که در سی و سومین اجلاس کنفرانس عمومی یونسکو در تاریخ ۲۰ اکتبر ۲۰۰۵ تصویب شد مفاد این کنوانسیون معطوف به حمایت و حفاظت از تنوع فرهنگ‌ها در حوزه‌های ملی و مخصوصاً حمایت از صنایع فرهنگی کشورهای در حال توسعه در مقابل چالش‌های متعددی است که

فرهنگی را با حقوق بشر و آزادی‌های ضروری مرتبط می‌داند (ماده ۴) بر طبق ماده ۴ اعلامیه، دفاع از تنوع فرهنگی، یک الزام اخلاقی است که از اصل احترام به شأن انسانی جدا نمی‌باشد (نیل، ۲۰۱۰، ۲۵۹). در عین حال و برای نشان دادن مقام و مرتبت هر یک از این دو نهاد در ادامه می‌آورد «هیچ کس نباید با توسل به تنوع فرهنگی، حقوق بشر مورد حمایت حقوق بین‌الملل را نقض نموده و یا قلمرو آن را محدود نماید». هم‌چنین در ابتدای ماده ۵ اعلام می‌دارند «حقوق فرهنگی، جزء مکمل حقوق بشر می‌باشد».

«حقوق فرهنگی به‌عنوان حق آزادی بیان و احترام به انتخاب آزادانه شغل، حق دسترسی به آموزش و تعلیم و حق مشارکت در حیات فرهنگی مورد نظر فرد و نیز فهم رفتار فرهنگی او همراه با احترام به حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دیگران شناخته شده است» (ماده ۵). اعلامیه اذعان دارد که «آزادی بیان، تکرارگرایی رسانه‌ای، چندزبانی، دسترسی برابر به هنر و دانش فنی و علمی، شامل دسترسی دیجیتال، و اینکه کلیه فرهنگ‌ها امکان ابراز و اشاعه خود را داشته باشند، تحت ضمانت تنوع فرهنگی قرار گرفته است» (ماده ۶) (یونسکو، ۱۳۸۴، ۱۵).

۳. تنوع فرهنگی و نوآوری: در این بیانیه اذعان شده، اگرچه پیشرفت‌های فنی فرصت‌های فراوانی را برای بروز خلاقیت افراد گشوده است، اما از حقوق نویسندگان، هنرمندان و صاحبان آثار نباید غافل شد. خدمات و محصولات فرهنگی نیز به‌عنوان بیان‌کننده‌ی هویت هر فرهنگ، مورد توجه قرار گرفته است و ارزش‌ها و مفاهیم موجود در آن را می‌توان به‌عنوان کالاها و ابزارهای مورد نیاز

عرف بین‌المللی قابل استناد هستند. از آغاز فعالیت یونسکو تا اجلاس عمومی ۲۰۰۳ آن سازمان، ۱۱ بیانیه در موضوع‌های مرتبط با وظایف این سازمان در کنفرانس عمومی تأیید و منتشر شده است.

بیانیه تنوع فرهنگی اولین سند حقوقی است که رسماً ضرورت پذیرش و حمایت از تنوع فرهنگی در جهان را بیان داشته و روش‌های اجرایی روشنی را برای بقای فرهنگ‌ها و تعامل بین آن‌ها ترسیم کرده است. یونسکو در قالب اساسنامه و شرح مأموریت‌های خود، تلاش برای تضمین، حفاظت و ترویج فرهنگ‌های گوناگون را وظیفه و مسئولیت خود دانسته و برای اولین بار در قالب بیانیه تنوع فرهنگی که در ۱۲ ماده تنظیم شده است به وظیفه خود قالب حقوقی بخشیده است. این بیانیه برای ایجاد شرایط لازم به منظور تحقق مواد ۱۲ گانه آن، مشتمل بر یک «برنامه عملی» در ۲۰ ماده است که روش‌های اجرایی و برنامه‌های عملیاتی برای تحقق اصول و اهداف بیانیه را بیان کرده است (صمدی رندی، ۱۳۸۶، ۲۱-۲۰).

این بیانیه حول چهار موضوع اصلی تنظیم شده است: ۱. تنوع فرهنگی و کثرت‌گرایی: اعلامیه نه تنها جایگاه تنوع را در کانون فرایند توسعه اقتصادی گنجانده، بلکه آن را به منزله روش دستیابی قابل قبول برای بقای روشننگری عاطفی، اخلاقی و معنوی مورد تأیید قرار داده است (ماده ۳)، تکرارگرایی فرهنگی از طریق توجه به جزئیات سیاست‌های ملی اجرا می‌شود که در آن همه شهروندان ضامن همبستگی اجتماعی و مایه حیات جامعه مدنی و صلح هستند (ماده ۲). ۲. تنوع فرهنگی و حقوق بشر: اعلامیه به طور جدی تنوع فرهنگی را با احترام به همگان، و وابستگی متقابل و جدایی ناپذیری تنوع

۵-۳-۲. کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی (۲۰۰۵)

یونسکو باهدف قانونمندی‌سازی مناسبات بین‌المللی کشورها در عرصه فرهنگ، ایجاد زمینه‌های همکاری بین‌المللی بین کشورها، پرکردن خلأهای موجود در نظام حقوق بین‌الملل معاصر و استانداردسازی رفتارهای فرهنگی بین‌المللی، تدوین اسناد حقوقی به‌ویژه کنوانسیون‌های ناظر به ابعاد مختلف فرهنگ و میراث فرهنگی را از بدو تأسیس تاکنون، به‌عنوان یکی از اساسی‌ترین وظایف خود تلقی کرده است (صمدی رندی، ۱۳۸۶، ۱۶). استقبال جامعه جهانی از اعلامیه تنوع فرهنگی یونسکو که در جریان مجمع عمومی کشورهای عضو این سازمان در سال ۲۰۰۱ میلادی تصویب و منتشر شد، از یک‌سو زمینه لازم را برای یونسکو به‌سوی تدوین یک کنوانسیون بین‌المللی ناظر بر حمایت و ارتقای تنوع فرهنگی و از سوی دیگر شرایط لازم را برای پذیرش تدوین کنوانسیون تنوع فرهنگی از سوی جامعه جهانی فراهم کرد.

«سازمان آموزشی، علمی فرهنگی ملل متحد، یونسکو، در سی و دومین اجلاس عمومی خود در پاریس، مهرماه ۱۳۸۲ (اکتبر ۲۰۰۳)، موضوعی در خصوص تنوع فرهنگی در کمیسیون فرهنگ خود براساس اجماع ۱۹۰ کشور عضو به تصویب رساند. این موضوع اساسی شامل تصمیم کشورهای عضو در اقدام برای تبدیل اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی (مصوب سی و یکمین اجلاس عمومی یونسکو در سال ۲۰۰۱) به کنوانسیون جهانی تنوع فرهنگی در سی و سومین اجلاس عمومی یونسکو در سال ۲۰۰۵ می‌باشد. بدین ترتیب کشورهای

مصرف‌کنندگان در نظر گرفت (ماده شماره ۸ بیانیه). هم‌چنین در این بیانیه به ایجاد تعادل در حفظ حقوق دولت‌ها به منظور تعیین خط‌مشی سیاست فرهنگی به‌عنوان یک وظیفه عمومی اشاره شده است. ضمن آنکه سیاست‌های مذکور باید توسط تولیدات فرهنگی که ابزاری در جهت دفاع از حقوق هر فرهنگ در سطح محلی و جهانی هستند. شرایط مناسبی را برای تولید و نشر محصولات گوناگون فرهنگی فراهم نمایند (ماده شماره ۹ بیانیه)

۴. تنوع فرهنگی و همبستگی بین‌المللی: در این بیانیه، یونسکو مسئولیت انتقال اصول بیانیه و برنامه عملی آن را در زمینه سیاست توسعه به عهده گرفته است. در گردهمایی سازمان نیز سعی شده تا همه اعضا یا به تعبیر دیگر، تمام دولت‌ها، سازمان‌های دولتی و غیردولتی بین‌المللی و بخش‌های خصوصی بتوانند مفاهیم و سیاست‌گذاری‌های لازم در حوزه تنوع فرهنگی را تقویت کنند (ماده شماره ۱۲ بیانیه) کشورهای عضو خود را موظف دانسته‌اند به منظور اجرای اصول اساسی بیانیه، به بیست هدف از اهداف مهم آن عمل نمایند (یونسکو، ۱۳۸۴، ۱۴). تعمیق مباحثات بین‌المللی درباره تنوع فرهنگی، پاسداری از میراث زبانی بشر، تشویق تنوع زبانی در کلیه سطوح آموزش، ترویج تنوع زبانی در فضای رایانه‌ای، مبارزه با شکاف دیجیتال، تضمین حمایت از حقوق مؤلف، گسترش سیاست‌های فرهنگی، مشارکت بخش جامعه مدنی و بخش خصوصی در تقویت تنوع فرهنگی از جمله اهداف بیست‌گانه است که کشورها خود را متعهد به اجرای آنها دانسته‌اند.

اغلب ضعیف هستند و سنت‌های فرهنگی توسط جهانی‌شدن سریع تهدید شده‌اند، در اولویت قرار گرفته‌اند. در این کنوانسیون تصدیق شده است که تنوع و بیان فرهنگی یکی از ارکان توسعه و در راستای دستور جلسه‌های رفاه اقتصادی، عدالت اجتماعی، آموزش، تعادل محیط‌زیست است (آیلت، ۲۰۱۰، ۳۵۵).

در حقیقت کنوانسیون یک شکل استاندارد برای توافقات بین‌المللی است که اصول مطرح‌شده در این کنوانسیون مهم و معنی‌دار است چرا که یک چارچوب قانونی برای حقوق و وظائف دولت‌ها مطرح کرده است. مهم‌ترین اصولش احترام به حقوق بشر، آزادی‌های بنیادین، قدرت دولت‌ها در اتخاذ اقدام‌ها و سیاست‌ها، شناسایی مظاهر فرهنگی توسعه که مهم‌تر از مظاهر اقتصادی می‌باشد و تعهد به آزادی و توازن میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته است. در تعریف فعالیت‌ها و کالا و خدمات فرهنگی صرف‌نظر از ارزش تجاری آن‌ها مطمئناً بیشترین اهمیت را داشته و این اولین بار است که طبیعت دوگانه کالا و خدمات فرهنگی در حقوق بین‌الملل سازماندهی می‌شود (نیل، ۲۰۱۰، ۲۵۸).

اهداف کنوانسیون بر اساس ماده ۱ عبارت است از: (۱) حفظ و ترویج احترام به تنوع بیان‌های فرهنگی و افزایش آگاهی از ارزش آن‌ها در سطح محلی، ملی و بین‌المللی؛ (۲) ایجاد شرایطی برای شکوفایی و تعامل آزاد فرهنگ‌ها به شیوه‌ای که منافع متقابل را تضمین کند؛ (۳) تقویت و توسعه مناسبات و گفت‌وگوی بین فرهنگ‌ها به منظور تضمین مبادلات گسترده و متوازن فرهنگی؛ (۴) تأکید بر اهمیت ارتباط میان فرهنگ و توسعه برای همه کشورهای، به‌خصوص برای

عضو، از فرصتی دو ساله برخوردار شدند تا به تشکیل گروه‌های کاری و مشورتی در سطوح زیر منطقه‌ای، منطقه‌ای و بین‌المللی مبادرت کرده و پیشنهادهای خود را برای بررسی و استفاده در جهت تحکیم و یا تغییر و اصلاح مفاد و مواد کنوانسیون آماده کنند (زرشکن عابد، ۱۳۸۳، ۱۵).

کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع مظاهر فرهنگی یک ابزار بین‌المللی برای خط‌مشی فرهنگی بین‌المللی است. سرعت طی مراحل، از بررسی تا پیش‌نویس و بعد عملی شدن این کنوانسیون قابل توجه است. این کنوانسیون ملاحظاتی را بیان می‌کند که بین وزرای فرهنگ، اعضای پارلمان، خالقان آثار فرهنگی و سازمان‌های جامعه مدنی در دهه ۱۹۹۰ مشترک بوده است و آن‌ها اعتقاد داشتند که تنوع و هویت نباید تحت تأثیر جهانی‌شدن و بین‌المللی شدن سیستم‌های حقوقی برای پشتیبانی تجارت قرار بگیرد (شاهد، ۲۰۱۰، ۱۱). در جلسه افتتاحیه اولین کنفرانس برای تأکید بر دستاورد این کنوانسیون این ابزار حقوقی به‌عنوان یک «گل سرسبد برای خط‌مشی فرهنگی» مطرح شد. این ادعای مبالغه‌آمیز که یادآور خاطره منشور سنت‌شکن قرن ۱۳ است (اولین منشوری که محدودیت‌های قانونی بر قدرت مطلق پادشاه انگلستان وضع کرد)، این ذهنیت را به وجود آورد که حقوق فرهنگی همانند حقوق اقتصادی در یک چارچوب حقوقی تأیید شده است که از حق دولت‌های ملی برای ایجاد خط‌مشی فرهنگی در دفاع از میراث و تنوع بیان فرهنگی خودشان دفاع می‌کند. بسیاری از مباحث آن‌ها مربوط به کشورهای در حال توسعه بودند و اینکه این امر اهمیت دارد که نیازهای کشورهای در حال توسعه که در آن صنایع خلاق

کنوانسیون عبارت‌اند از: (۱) رفتار ترجیحی به نفع کشورهای در حال توسعه (۲) حق دولت‌ها برای آنکه اقدامات مناسب به منظور ارتقای تنوع فرهنگی را با توجه کافی به حقوق بشر، انجام دهند.

ماده ۵ (۱) بر حق حاکمیت دولت‌ها به منظور تدوین و اجرای سیاست‌های فرهنگی‌شان صحنه می‌گذارد و حق آن‌ها را در اتخاذ اقدامات لازم به منظور ارتقا و محافظت تنوع جلوه‌های فرهنگی در سرزمین خودشان (در عین هماهنگی با اصول حقوق بشر) تأیید می‌کند (گروه فرهنگی کرسی صلح دموکراسی و حقوق بشر، ۱۳۸۷، ۷) و همچنین «فراهم آوردن زمینه‌های لازم برای باروری و تبادل آزاد در یک فرایند بهره‌وری متقابل» مورد تأکید قرار گرفته است. ماده ۵ (۲) در عین حال تصریح نموده که این فعالیت‌ها نمی‌بایست با منشور جهانی حقوق بشر و آزادی‌های مشروع فردی و جمعی و تبادل آزاد اطلاعات در تضاد قرار گیرد (حسینی، ۱۳۸۵، ۷۸). از این رو، منشور ضمن ترسیم حقوق دولت‌ها در حوزه سیاست‌گذاری فرهنگی و حفاظت از فرهنگ‌های بومی در فضای جهانی شدن بر مسئولیت دولت‌ها در حفظ حقوق فردی و جمعی شهروندان تأکید ورزیده است. تعامل و تقابل احتمالی میان این حقوق و مسئولیت‌ها باعث گردید که دولت آمریکا و به تبع آن اسرائیل به این منشور جهانی رأی منفی دادند.

۴-۵. چالش‌های تحقق تنوع فرهنگی در عمل

چالش‌های تحقق تنوع فرهنگی در عمل عبارت‌اند از:

۴-۵-۱. اصل عدم مداخله

«موضوع دخالت در امور داخلی دیگر کشورها تا پیش از تصویب منشور ملل متحد، از جمله

کشورهای در حال توسعه و حمایت از اقدامات ملی و بین‌المللی که برای تضمین شناخت ارزش واقعی این ارتباط صورت می‌گیرد؛ (۵) به رسمیت شناختن ماهیت متمایز فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی به‌عنوان ابزار هویت، ارزش‌ها و معانی؛ (۶) تأکید بر حق حاکمیت دولت‌ها در تصویب و اجرای سیاست‌ها و اقدامات مناسب برای حفاظت و ترویج بیان‌های فرهنگی متنوع در قلمروهای خود؛ (۷) گسترش همکاری و همبستگی بین‌المللی، برای حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی، به‌ویژه برای تقویت ظرفیت‌های کشورهای در حال توسعه (کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۰).

اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی ۲۰۰۱، متن «مادر» کنوانسیون ۲۰۰۵ محسوب می‌شود و گستره وسیعی را پوشش می‌دهد اما کنوانسیون ۲۰۰۵ تنها با برخی جنبه‌های تنوع فرهنگی که در بیانیه سال ۲۰۰۱ نام برده شده، سروکار دارد. کنوانسیون ۲۰۰۵ تنها شامل مواد ۸ (کالاها و خدمات فرهنگی)، ۱۰ (تقویت ظرفیت‌های خلق و توزیع در سطح جهانی) و ۱۱ (مشارکت بخش‌های عمومی، خصوصی و جامعه مدنی) اعلامیه است. در واقع سه ستون حفظ و ترویج تنوع خلاق را کنوانسیون حفظ میراث فرهنگی و طبیعی جهان ۱۹۷۲، کنوانسیون حفظ میراث فرهنگی معنوی ۲۰۰۳ و کنوانسیون ۲۰۰۵ مربوط به فعالیت‌ها، کالاها و خدمات فرهنگی تشکیل می‌دهند (فراهانی، ۱۳۸۶، ۵۳).

حقوق و تکالیف بیان‌شده در این کنوانسیون در هر دو سطح ملی و بین‌المللی، «آن چنان تدوین شده‌اند که اوضاع و احوال، بستر قضایی و اجتماعی» هر کشور در نظر گرفته شود. دو رویکرد موجود در

«این چالش، یکی از اصلی‌ترین چالش‌های سازمان یونسکو در اجرای رسالت اصلی خویش می‌باشد. یونسکو که قائل به برابری و آزادی زنان و مردان، علی‌الخصوص در امر آموزش می‌باشد. احترام به فرهنگ‌ها و حفظ آن‌ها و تضمین این‌که فرهنگ‌های مختلف به یکدیگر احترام گذارند و برای حفظ یکدیگر بکوشند، به‌گونه‌ای که در عین تعادل و نزدیکی، تنوع و وحدت آن‌ها حفظ شود، از وظایف اصلی سازمان یونسکو می‌باشد» (حسینی، ۱۳۸۵، ۷۸). اما مثلاً در جامعه بسته‌ای هم‌چون افغانستان که طالبان هیچ نوع فرهنگ و سنتی غیر از فرهنگ خود را قبول ندارند، نمی‌توان به سادگی تنوع فرهنگی را ترویج داد.

۵-۴-۲. عدم توسعه فرهنگی

یونسکو با افزایش و تقویت مناسبات آموزشی، علمی و فرهنگی دو هدف را تعقیب می‌کند: «۱) توسعه، که وراى تقاضای ساده پیشرفت مادی، باید به طیف گسترده‌ای از خواست‌های انسان پاسخ گوید، بدون آنکه میراث نسل‌های آینده را به خطر افکند. ۲) برقراری فرهنگ صلح، بر اساس آموزش مسئولیت شهروندی و مشارکت کامل در فرآیندهای بر پایه دموکراسی»، اما در جامعه‌ای که با فقر توسعه، به‌ویژه توسعه فرهنگی، روبروست دچار چالش می‌شود و قادر به انجام اهداف خویش نخواهد بود. «توسعه بر خلاف رشد که امری صرفاً اقتصادی- فناورانه و دارای مفهوم کمی است، امری پیچیده و چندوجهی است و به‌سادگی نمی‌توان آن را با چند شاخص کمی نظیر درآمد سرانه، تولید ناخالص ملی، افزایش پس‌انداز ملی و سرمایه‌گذاری، اندازه‌گیری کرد. توسعه علاوه بر بهبود وضع اقتصادی و پیشرفت فناورانه و افزایش

موضوعاتی بود که با توجه به آزادی عمل کشورها در توسل به‌زور و آغاز جنگ با دیگران، ممنوعیت و محدودیت عام و مشخصی نداشت. لذا دخالت یا عدم دخالت در امور داخلی دیگران تابع اراده، خواست، منافع و قدرت کشور مداخله‌گر از یک سو و مانع و قدرت کشور هدف مداخله از سوی دیگر بود. سواى از این چارچوب، تنها ملاک موجود، قراردادهای پیمان‌ها و معاهدات دو جانبه‌ای بود که در زمینه‌هایی چون عدم تعرض، دوستی و اتحاد میان کشورها منعقد می‌گردید و بعضاً در دوره‌ای کوتاه، موجبات عدم دخالت دولت‌ها در امور داخلی یکدیگر را فراهم می‌آورد» (عباسی اشلقی، ۱۳۸۰، ۸۲). «اصل عدم مداخله در سیاست داخلی دیگر کشورها، یکی از اصول اعتقادی حکومت‌ها، پژوهشگران و سازمان‌های بین‌المللی است» (دامروش، ۱۳۷۰، ۱۹). «با تصویب منشور ملل متحد برای نخستین بار ممنوعیت دخالت در امور داخلی سایر کشورها صریحاً مورد اشاره قرار گرفت. متعاقب این موضوع، مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز طی قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد، بر لزوم رعایت این اصل تأکید کرد. با توجه به اینکه یونسکو یک مرجع بشری در حیطه وسیع آموزشی، علمی و فرهنگی می‌باشد، این یک امر عادی است که از نائل آمدن به تمام اهداف خود قاصر باشد؛ زیرا این اهداف به اندازه توانایی‌های خلاق ذهن بشری نامحدود است. اما اگر یونسکو به نحو مناسبی، به عنوان وسیله‌ای محسوب شود که به واسطه آن مردم بتوانند از طریق دولت‌هایشان روی اهداف با اهمیت زیاد، توافق یابند و سپس راهنمای عملی حصول به این اهداف مشترک را مورد تدبیر قرار دهند، شایسته رسیدن به اهدافش می‌باشد» (ولتر اچ سی لاوس، ۱۹۵۷، ۳۵۷-۳۵۶).

آزاد نخواهد بود. جامعه‌ای که حق آزادی اقلیت‌های قومی، مذهبی و سیاسی را محترم نشمارد و حقوق آنان را زیر پا بگذارد، مفهوم کلی و دقیقی از آزادی را کسب نکرده است» (مسرت، ۱۳۸۳، ۵۶).

سازمان یونسکو که از مهم‌ترین مؤسسات تخصصی سازمان ملل می‌باشد، در دیباچه اساسنامه خود علت جنگ‌های خانمان‌سوز اول و دوم جهانی را، انکار آرمان مردم مدارانه شرافت، برابری و احترام به نوع بشر و نیز نابرابری نژادها و انسان‌ها می‌داند و در بند ۱ ماده ۱ اساسنامه‌اش هدف اصلی خویش را ایجاد همکاری بین ملل جهان از طریق آموزش، علم و فرهنگ برای حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بیان می‌دارد که بایستی احترام به عدالت، قانون، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین بشر برای همگان پیش‌بینی شده در منشور ملل متحد را بدون تمایز و در نظر گرفتن نژاد، جنسیت، زبان یا مذهب به اجرا درآورده شود؛ اما در مملکتی که اساسی‌ترین حقوق بشر یعنی آزادی و دموکراسی رعایت نمی‌شود، چگونه می‌تواند رسالت خویش را اجرا کند؟ حکومت‌های دیکتاتوری تلاش می‌کنند که مردم تحت سلطه خویش را از هرگونه آگاهی و کمال به دور دارند تا بتوانند ریشه‌های حکومت خویش را مستحکم‌تر کنند و ابقای خویش بر حاکمیت را تضمین کنند.

از طرف دیگر سازمان یونسکو که رسالت اصلی خویش و آگاه کردن مردم و در نتیجه نزدیک کردن ملت‌ها به هم می‌داند، در این راه با چالش مواجه می‌شود. «زیرا فرهنگ دموکراسی هنگامی در جامعه پا گرفته است که اکثریت قابل ملاحظه‌ای از افراد و گروه‌های اجتماعی و احزاب سیاسی، حق موجودیت

ثروت ملی باید به تغییرات اساسی کیفی در ساخت اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و کیفیت نیروی انسانی همراه باشد» (نراقی، ۱۳۸۰، ۱۱۸). «یونسکو در دهه پایانی قرن بیستم، با اعلام دهه جهانی فرهنگ، دیدگاه‌های جدیدی را ارائه داد که همه نظریات مربوط به توسعه را دچار چالش کرد. اگر بنا به نظریات جدید یونسکو در دهه جهانی فرهنگ، توسعه فرهنگی را زیربنای هر نوع توسعه‌ای بدانیم، بدان معنا خواهد بود که صرف نظر از تقدم یا تأخر نوع اقتصادی و یا سیاسی توسعه در دیگر انواع آن، محور توسعه، توسعه انسانی و فرهنگی است. به عبارتی، تقدم یا تأخر توسعه در گرو اندازه فاصله هر یک از توسعه از فرایند ایجاد امکانات توانمندی و انتخاب سازی برای انسان است» (زرشکن عابد، ۱۳۸۳، ۱۶). «بدین ترتیب از آنجا که انسان، محور توسعه است، تقدم و تاخوری در کار نیست؛ بلکه مسئله اصلی، ایجاد توازن در نسبت میان انواع توسعه با انسان است و فرهنگ در ایجاد چنین توازن و تعادلی دارای نقش اصلی است» (زرشکن عابد، ۱۳۸۳، ۱۷). بنابراین باید معین کرد که توسعه فرهنگی، مبتنی بر کدام تعریف از فرهنگ، چنین مأموریت خطیری دارد.

۵-۴-۳. فقدان فرهنگ دموکراتیک

«در ادبیات سیاسی، فرهنگ دموکراسی به‌عنوان مجموعه روابط و اساس فکری و بینش جامعه دموکراتیک بیان شده است. بینشی که امکان تجدید حیات انحصار طلبی و دیکتاتوری را به مرور زمان ریشه‌کن می‌کند. جامعه‌ای که در آن آزادی در انحصار یک قشر اجتماعی، یک حزب سیاسی یا هواداران یک جهان‌بینی خاص باشد و دگراندیشان از تبلیغ مرام و نظارت خود محروم بمانند، جامعه‌ای

می‌گذارد نه تنها در سطح داخلی و روابط بین قومی بلکه در مناسبات بین‌المللی میان کشورها حائز اهمیت اساسی است. لذا حفظ و حمایت از تنوع فرهنگی در برابر فرایندهای جهانی چه در عرصه داخلی کشورها و چه در عرصه بین‌المللی لازم و ضروری انگاشته می‌شود. یونسکو برجسته‌ترین سازمان متولی امور فرهنگی در عرصه بین‌المللی است که از حوزه‌های آموزشی، علوم طبیعی و اجتماعی، فرهنگ و ارتباطات به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کند. لذا با توجه به اهمیت تنوع فرهنگی در عرصه بین‌المللی، فعالیت خود را در این زمینه گسترش داد و فعالیت‌های اساسی را برای حفاظت از تنوع فرهنگی در برابر جریان‌های رو به رشد جهانی انجام داده است که مهم‌ترین آن‌ها تصویب کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی ۲۰۰۵ است. کنوانسیون حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی ۲۰۰۵ یک چارچوب قانونی است که هدفش حفظ و حمایت از تنوع فرهنگی و فراهم کردن شرایطی است که فرهنگ‌ها به‌طور آزادانه بتوانند با یکدیگر تعامل و تقابل داشته باشند چراکه هیچ فرهنگی بدون وجود فرهنگ‌های دیگر قادر به ادامه حیات نیست. کنوانسیون ۲۰۰۵ هم‌چنین به شأن برابر و یکسان همه فرهنگ‌ها تأکید و خواهان همبستگی و همکاری بین‌المللی میان کشورها برای حفظ و ارتقای تنوع مظاهر فرهنگی است به گونه‌ای که باعث تقویت ظرفیت کشورهای در حال توسعه شود. درعین حال کنوانسیون ۲۰۰۵ بر حق اعمال حاکمیت دولت‌ها در تصویب و اجرای سیاست‌ها در جهت حفاظت از مظاهر فرهنگی و حمایت از حقوق اقلیت‌ها و فرهنگ‌ها در داخل کشور خود تأکید دارد. یونسکو در حمایت از تنوع فرهنگی

یکدیگر و اقلیت‌های قومی، دینی و مسلکی را بدون هیچ قید و شرطی به رسمیت شناسد و اصل عدم برتری بالقوه بیان یکدیگر را بپذیرند و بر این اصل تفاهم و توافقی اصولی داشته باشند و آن را ملاک عمل و اساس کارزار سیاسی و اجتماعی خود قرار دهند» (فراهانی، ۱۳۸۶، ۵۴). این تعریف اگرچه تعریفی جامع و کامل از دموکراسی نیست و جامعه‌ای آرمانی را در برمی‌گیرد، که شاید تاکنون هم ایجاد نشده است، اما در جامعه‌ای که دموکراسی با چنین مفهومی پا گرفته باشد، جایی برای تجدید حیات انحصار طلبی باقی نخواهد ماند.

«جوهره دیدگاه اندیشمندان سیاسی درباره آزادی و اراده انسان این است که بشر به‌صرف بشر بودن دارای یک‌دسته حقوق بنیادی است که به هیچ بهانه‌ای نمی‌توان آن‌ها را نقض کرد و مظهر این حقوق بنیادین، آزادی و خودمختاری است. معنای آزادی این است که مردم بتوانند سرنوشت خویش را به دست خویش تعیین نمایند. حکومتی که مظهر چنین واقعیتی باشد، یک حکومت دموکراتیک است» (امیدی، ۱۳۸۷، ۳). اما در حکومت‌های غیر دموکراتیک که حکومت به صورت ارثی به نسل‌های بعدی حکام انتقال می‌یابد و مردم هیچ‌گونه نقشی در تعیین سرنوشت خویش ندارند، آزادی، حقوق بشر و عدالت وجود ندارد و مردم مجبور به قبول حرف روسای حکومت هستند.

۶. نتیجه

احترام به فرهنگ‌ها و قبول دیگر فرهنگ‌ها بر این اساس که هیچ فرهنگی بدون حضور دیگر فرهنگ‌ها قادر به ادامه حیات نیست و هر فرهنگی تحت تأثیر فرهنگ‌های دیگر است و خود نیز بر آن‌ها تأثیر

چالش‌هایی چون اصل عدم مداخله، فقر توسعه فرهنگی و یا فقدان فرهنگ دموکراسی مواجه است. البته برای غلبه بر این چالش‌ها دست به راهکارهایی می‌زند که اگرچه این موانع را به‌طور کلی از بین نمی‌برد، حداقل بخشی از این نقاط ضعف را پر می‌کند؛ از طریق جهانی کردن جامعه اطلاعاتی سعی در افزایش آگاهی و دانش مردم دارد و سوادآموزی جهانی از اصلی‌ترین دغدغه‌های یونسکو محسوب می‌شود.

۷. سهم نویسندگان

همه نویسندگان در نوشتن این مقاله مشارکت برابر داشته‌اند.

۸. تضاد منافع

در این پژوهش تضاد منافع وجود ندارد.

منابع

فارسی

- آذری، میرحسن، مروری بر اقدامات و اعلامیه‌های یونسکو در تصویب کنوانسیون تنوع فرهنگی، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۵.
- امید، علی، «گسترش مفهومی حق تعیین سرنوشت (از استقلال ملل تحت سلطه تا حق دموکراسی برای همه)»، فصلنامه حقوقی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره دوم، ۱۳۸۷.
- پارسا، علیرضا، «رؤیاری جهان‌گرایی و نسبت‌گرایی فرهنگی (چالش پایدار حقوق بشر)»، نشریه اطلاعات سیاسی اقتصادی، شماره ۱۶۵، ۱۳۸۰.
- حسینی، حسن، گزارش راهبردی جنگ سرد فرهنگی در نظام بین‌الملل: آمریکا و اسرائیل در مقابل جهان، چاپ اول، تهران، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع تشخیص مصلحت نظام، ۱۳۸۵.
- دامروش، لوری فیسلر، «سیاست بر فراز مرزها (اصل عدم مداخله و نفوذ غیر قهری بر مسائل داخلی)»، ترجمه علیرضا طیب، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۵۱، ۱۳۷۰.
- زرشکن عابد، لیلا، «تحلیل چالش‌های بخش فرهنگ با تأکید بر چالش‌های حوزه میراث فرهنگی و گردشگری»، مجله مجلس و پژوهش، شماره ۴۴، ۱۳۸۳.
- شرف‌الدین، سیدحسن، «جهانی شدن - یکسان‌سازی یا تنوع فرهنگی و سیاست‌های ملی»، مجله معرفت، شماره ۱۲۳، ۱۳۸۶.
- صمدی رندی، یونس، تنوع فرهنگی در کنوانسیون‌ها و اسناد حقوقی یونسکو و تأثیر آن بر قوانین داخلی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ-هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶.
- عباسی اشلقی، مجید، «مداخلات بشردوستانه و اصل عدم مداخله»، مجله سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۶۹، ۱۳۸۰.
- فراهانی، فاطمه، آشنایی با کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع بیان‌های فرهنگی، چاپ اول، تهران، پژوهشگاه فرهنگ-هنر و ارتباطات، ۱۳۸۶.
- قاری سیدفاطمی، سیدمحمد، حقوق بشر در جهان معاصر (دفتر یکم)، چاپ اول، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های حقوقی، ۱۳۸۸.
- کریمی، علی، «تنوع فرهنگی و تداوم همزیستی آن‌ها در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، شماره اول، ۱۳۹۰.
- کمیسیون ملی یونسکو، اعلامیه جهانی تنوع فرهنگی یونسکو در مورد تنوع فرهنگی، ترجمه مهرناز پیروز نیک، چاپ اول، تهران، انتشارات کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۹۰.
- گروه فرهنگی کرسی صلح-دموکراسی و حقوق بشر، «گزارش دومین نشست در مورد کنوانسیون حفظ و ترویج تنوع جلوه‌های فرهنگی سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد (یونسکو)» تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۷.
- مسرت، محسن، «فرهنگ و دموکراسی گذر از جامعه دو قطبی انحصار طلبی به جامعه دموکراسی-مدنی»، مجله آئین، شماره ۲، ۱۳۸۳.

- Neil, Garry. "Assessing the effectiveness of UNESCO's new Convention on Cultural diversity", *Journal Global Media and Communication*, No.2,2010.
- Parvis, Leo, *Understanding Cultural Diversity in Today' s Complex World, out of place, Second Edition, Published Lulu 2007.*
- Shaheed, Farida, the Independent Expert in the field of cultural right , to Human Rights Conuncil at its 14th session , Para 10, 31 May 2010.
- Stavenhagen, Rodolfo, "Cultural rights; A Social Science Perspective', *Economic Social and Cultural Rights*, London, Martinus Nijhoff Publishers, 2 edit, 2001, pp 87-89.
- UNESCO, *Basic Texts*, 36th Session General Conference, Paris, UNESCO, 2012.
- Wolter H. C. laves, *UNESCO- Purpose- Progress-Prospects*, First Edition, Indiana, Indiana University Press, 1957.

- نراقی، یوسف، جامعه‌شناسی و توسعه، چاپ اول، تهران، نشر افزون، ۱۳۸۰.
- هویلند، ویلیام ا، «انسان‌شناسی فرهنگی»، مترجم منصورگودرزی، نشریه جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی، شماره ۲۲، ۱۳۸۲.
- وحید، مجید، «کنوانسیون‌های جهانی تنوع فرهنگی بررسی زمینه‌های فکری - تاریخی (موضوع و چشم‌انداز تصویب و تبعات در سیاست‌گذاری فرهنگی)»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، ۱۳۸۳.
- یونسکو، تنوع فرهنگی و زبانی در جامعه اطلاعاتی، ترجمه محمد حسن ایپکچی، چاپ اول، تهران، کمیسیون ملی یونسکو، ۱۳۸۴.

لاتین

- Aylett, Holly. "An international instrument for internatinal cultural policy, The challenge of unesco convention on the protection and promotion of the diversity of cultural Expressions 2005", *International Journal of Cultural studies*, No. 13,2010.
- Diller, Jerry v, *Cultural Diversity- A Primer for the Human Services*, out of place, Fourth Edition, Publisher Cengage Learning, 2010.
- Franz, Boas, *Museums of Ethnology and their Claissification*, Ninth edition, Cambridge, Published By Cambridge University Press, 1887.